

زندان چه می‌کند؟

شناخت و آسیب‌شناسی زندان، زندانی و زندانبان

مجموعه مقالاتی درباره مقوله زندان،
زندانی و زندانبان با تکیه بر تجربه و مشاهده،
قبل و بعد از انقلاب اسلامی

مهدی غنی

فهرست

- ۹..... زندان با زندانی چه می‌کند؟
- ۲۵..... زندان با زندانبان چه می‌کند؟
- ۳۵..... زندانی با زندان چه می‌کند؟
- ۴۵..... زندان با خود چه می‌کند؟
- ۵۱..... زندان، امنیت و ناامنی.....
- ۵۷..... زندانیان قبل از انقلاب.....
- ۶۷..... وقتی زندان خوشایند می‌شود.....
- ۷۱..... زندان، تهدید یا فرصت؟
- ۷۷..... زندان دانشگاهی برای مجرم شدن.....
- ۸۱..... ردپای خدا در بارگه شیطان.....
- ۹۵..... زندانی با زندانبان چه می‌کند؟
- ۹۹..... زندانی سیاسی و زندانی عادی.....
- ۱۰۷..... زندان با قانون چه نسبتی دارد؟
- ۱۰۹..... زندانیان گمنام.....

زندان با زندانی چه می‌کند؟

زندان اصولاً واژه خوش‌نامی نیست. هرچند گاهی، افرادی خوش‌نام در آن جای می‌گیرند. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری مبارزین، زندان سیاسی را به دانشگاه و مدرسه انسان‌سازی تشبیه می‌کردند. در حقیقت هم، **زندان** چنین کارکردی داشت. اما اگر از آن تعبیر بگذریم که با مبارزات آن **زمان** همخوانی داشت، نمی‌توانیم انکار کنیم که نفس زندان آثار و عوارضی برای زندانی به‌بار می‌آورد که قابل بررسی است. گفتنی است که افراد مختلف از زندان تأثیرات گوناگونی می‌پذیرند و بنا به موقعیت عوارض مثبت یا منفی آن به ارمغان می‌برند. برخی از ایام حبس‌شان به‌عنوان روزهایی خاطره‌انگیز یاد می‌کنند و یادش بخیر می‌گویند و برخی آن روزها را وحشتناک و سیاه تلقی کرده و از یادآوری آن ایام منزعج‌ترند.

در هر صورت زندان اثراتی بر زندانی می‌گذارد که برای اغلب افراد مشترک است. با برخی از آن‌ها آشنا شویم:

۱- توهم

مهم‌ترین اثر زندان بر زندانی همین ایجاد توهم در اوست. هر فردی به‌محض دستگیر شدن در معرض این عارضه قرار می‌گیرد. قبل از هر چیز از خود

می‌پرسد چرا مرا گرفتند؟ پاسخ به این سؤال اغلب ساده نیست. اما یافتن پاسخ برای این پرسش ضروری است. چرا که انسان تا از وضعیت خود و آینده‌اش تصور و یا حتی توهمی روشن نداشته باشد آرامش نمی‌پذیرد. همه انسان‌ها چنین نیازی دارند. قرآن در سوره قیامت این نیاز را چنین تصویر کرده است: بل یرید الانسان لیفجر امامه - انسان می‌خواهد پیش‌رو و آینده‌اش را بشکافد، یا تصویر مبهم و تاریک از آینده را شکافته و بر آن نور بتاباند.

وقتی وضعیت روشن نیست، ناگزیر ذهن شروع به فرضیه‌سازی می‌کند. تخیل و توهم زندانی خواه‌ناخواه فعال می‌شود و به‌سرعت گذشته را مرور می‌کند. مسائلی که احتمال می‌رود علت بازداشتش باشد ذهن او را به خود مشغول می‌کند. ذهن متهم در زمان بازداشت با سرعت عجیبی همه احتمالات مختلف را بررسی می‌کند. هر احتمالی وضعیتی خاص برای او به‌بار می‌آورد. اینجاست که پرسش‌ها به ذهن او هجوم می‌آورند. اگر درباره فلان موضوع بپرسند، اگر درباره فلان فرد سؤال کنند، اگر آن مورد خاص را متوجه شوند، اگر فلانی را هم گرفته باشند، اگر آن مطلب را متوجه شده باشند، اگر نوشته آن روز را دیده باشند و...

در صورتی که کارهایی را مخفیانه انجام داده باشد که از نظر حاکمیت جرم به‌شمار می‌رود، موقع بازداشت به‌شدت نگران می‌شود. توهمات در زندان دائما در حال زایش و رشد است. هر صدایی را می‌شنوی تفسیر می‌کنی. هر اسمی به گوشات می‌خورد یاد یکی از اشنایان همنام می‌افتی و احتمال می‌دهی او را گرفته باشند. هر علامتی، هر بویی و هر رفتاری برای شما معنی خاصی می‌دهد. درحالی‌که ممکن است هیچ‌کدام از این موضوعاتی که ذهن را به خود مشغول کرده واقعیت نداشته و هیچ ربطی به تو نداشته باشد و تنها خیالات و توهمات تو باشد. جالب است که همه زندانیان با این علائم محیطی روبه‌رو می‌شوند و کم و بیش همین حالت را دارند، در این مورد تفاوتی میان زندانیان سیاسی و عادی هم نیست. در کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک